

استناد به شاکرد



فشار و تهدید می تواند جلوی شعارهای علیه خود را بگیرد. او نمی دانست که این عکس العمل رابطه تند و شدید و غلیظ او می باشد. بجای اینکه بکوشد رفتار خود را تغییر دهد می کوشید با فشار بیشتر روی سرایدار مدرسه شعارها را از بین ببرد.

بیشترین ناراحتی های دانش آموزان از این معاون در ارتباط با نحوه امتحان گرفتن او بود. مقررات سخت و دشواری را برای ورود به جلسه امتحان بوجود آورده بود:

۱ - هیچ شاگردی حق نداشت کتاب و جزوه خود را داخل جلسه امتحان بنماید.

۲ - موقع ورود به جلسه امتحان خودمعاون تمام جیب های شاگردان را مورد بررسی قرار می داد، اگر چیزی در جیب های شاگردی بچشم می خورد با تنبیه کردن او را بجلسه امتحان می فرستاد.

۳ - برای هرده نفر از شاگردان معلمی را بعنوان مراقب قرار می داد.

۴ - در جلسه امتحان خدای ناکرده اگر کسی ندانسته بچپ و راست نگاه می کرد و ورقه او گرفته شده نمره امتحانش صفر می شد.

این سعی و اهتمام معاونت مدرسه برای جلوگیری از تقلب، دانش آموزان را در انجام تقلب جسورتر کرده از لاج معاون هم شده انواع و اقسام تقلبات در مدرسه رواج بیشتری یافته بود. هر سال و هرثلاث تعداد تقلب کنندگان در دبیرستان بیشتر می شد و در نتیجه اعتراض اولیاء دانش آموزان روز بروز بیشتر شده عدم رضایت از نحوه اداره دبیرستان کم کم داشت توسعه و گسترش می یافت.

سه روز به برقراری امتحانات ثلاث دوم دبیرستان مانده بود، آقای مدیر مدرسه در اتاق

دریوسف آباد شهریار در کنار دامنه های کوه دبیرستان پسرانه ای وجود داشت که با کمک و یاری اهالی روستای یوسف آباد ساخته شده بود. پیش از بوجود آمدن این دبیرستان دانش آموزان مدارس راهنمایی برای ادامه تحصیل مجبور بودند برباط کریم یا کرج بروند ولی پس از ساخته شدن دبیرستان دانش آموزان روستاهای اطراف همه باین دبیرستان می آمدند. مدیریت این دبیرستان را یکی از شاگردان درس خوان یوسف آباد بنام آقای ن... به عهده داشت. او با تحمل دشواری ها دوره دبیرستان را در کرج بپایان رسانده کم کم با استخدام اداره فرهنگ شهریار درآمد بود. مدتها کارش معلمی و معاونت بود، وقتی دبیرستان ساخته شد همه فرهنگیان با تفاق او را لایق مدیریت تشخیص دادند. معاون او شخصی بنام آقای س... بود او لیسانسیه تربیت بدنی و اخلاقی تند و خشن بود. رنگ صورتش متمایل بسرخ بود و هیچیک از شاگردان جرات ایستادن در برابرش نداشتند. با کمترین جریانی مورد خشم معاون قرار گرفته تنبیه می شدند. شاگردان همیشه از او فاصله می گرفتند و هرگز رابطه عاطفی بین معساون مدرسه و شاگردان برقرار نبود. روی دیوار مدرسه و گاه روی تخته کلاسها و بیشتر در پشت درهای آهنی توالت های مدرسه علیه معاون شعارهایی نوشته می شد. بیچاره فراش مدرسه از پاک کردن این شعارها خسته شده بود هرچه او بیشتر شعارها را پاک می کرد دوباره و سه باره شعارها با لحن بدتری نوشته می شد. خلاصه عکس العمل تندی و تیزی های معاون مدرسه در شعارهای درو دیوار و توالت مدرسه بخوبی آشکار می شد. معاون مدرسه خیال می کرد با

فراموش نکنیم که انسان ها مجرم و گناهکار آفریده نمی شوند. بزرگترین اشتباهی که در سیستم اداره دبیرستان وجود دارد اینست که اساساً " برای دانش آموزان ارزش و حرمتی در نظر گرفته نمی شود. شاهد گویای این مدعا اینکه جیب های همه شاگردان موقع ورود به جلسه مورد بررسی قرار می گیرد. همکاران ارجمند، این کار برابر با توهین و اهانت بشاگرد نیست؟ معنای اینکار این است که معاون مدرسه به هیچیک از شاگردان اعتماد ندارد و پرواضح است که بی اعتمادی موجب بی اعتمادی خواهد بود.

بعقیده بنده مدرسه با انجام اینکار همه دانش آموزان را رنجیده خاطر ساخته دانش - آموزان متقلب را در انجام تقلب جسورتر می - گرداند.

آقای معاون ، سال اول که من باین دبیرستان آمدم تعداد تقلب کنندگان دوفتر بیشتر نبودند ولی درنهایت قبلی تعداد تقلب کننده بالغ بر



خودجلسه شورائی تشکیل داده مسائل کلی مقررات و سئوالات امتحانی و نحوه برگزاری امتحانات را بیان می کرد. او ضمن آن جلسه چنین گفت : همکاران ارجمند این مدرسه با همت و کمک اهالی خیر این منطقه ساخته شده است. تقلب در امتحانات برای دبیرستان مشکلی را بوجود آورده اولیاء دانش آموزان از فقدان رابطه عاطفی ناله دارند و بدون رودربایستی در هر امتحان تعداد تقلب رو با فزونی است .

معاون دبیرستان پس از کسب اجازه چنین گفت : همکاران ارجمند دانش آموزان این دبیرستان از روستاهای مختلف به اینجامی - آیدند، هنوز با اصول کلی اخلاق آشنائی کامل ندارند، بنابراین ما وظیفه داریم با رعایت اصول انضباطی دقیق و تند و غلیظ آنان را منظم و دقیق بار بیاوریم . بنابراین از همکاران انتظار دارم با دقت بیشتری مراقبت را انجام داده نگذارند شاگردی در امتحانات تقلب نماید .

پس از پایان صحبت معاون مدرسه یکسری از معلمان مدرسه بنام آقای الف . . . چنین گفت : اجازه بفرمائید بنده با صراحت عرض کنم که روش انضباطی مدرسه انسانی نبوده موجب عصیان و سرکشی دانش آموزان می گردد .

همکاران ارجمند، همه مامی دانیم که اگر حرمت شاگرد را نگهداریم همین شخصیت و احترام او را بخوبی بودن و ادا خواهد کرد. دانشمندان تربیت عقیده دارند اگر مجرمان و قاتلان را شخصیت بدھیم راه خوب شدن بروی آنان گشوده خواهد شد، درحالی که اگر مجرمان را متقلب و ناپاک بدانیم، علاوه بر آنکه در تربیت کردن آنان عاجز خواهیم ماند بلکه شرارت و فساد آنان را تقویت خواهیم کسرد.

هموار نمی نماید ، بلکه زمینه ساختن و تربیت کردن را هم از بین می برد . من امروز با کمال شرمندگی باشتباه تربیتی خود اقرار می نمایم . بزرگترین اشتباه من این بود که من شماها را نشناخته بارزشهای والای انسانی شما پی نبرده بودم . من امروز فهمیدم که انسان ها خود باید راه صحیح را انتخاب کنند و الا هرگز نمی توان راه تربیتی را با آنان تحمیل کرد . دانش آموزان عزیز ، شما امروز می توانید آزادانه به جلسه امتحان وارد شوید ، می توانید کتاب و جزوه های خود را به همراه ببرید ، حتی برخی از سئوالاتی که مفایر با جلسه امتحان نباشد می توانید از من سئوال کنید ، ضمناً " در جلسه امتحانی جز من کسی از شما مراقبت نخواهد کرد .

بچه ها باسربلندی و احساس غروروارد جلسه امتحان شدند ، دیگر کسی دم درب سالی نایستاده بود که جیب های آنان را بگردد . طبق گفته فراش مدرسه تعداد زیادی از بچه ها قبل از رفتن جلسه امتحان در اطاق خدمتگذار همه جیب های خود را ازنت و ثقلب خالی کرده جلسه امتحان رفتند . این اولین جلسه امتحان بود که با آرامش و اطمینان خاطر دانش آموزان برگزار شد . همه مشغول استفاده از معلومات خود بوده حتی سرخود را از روی ورقه بلند نمی کردند .

آنروز یک نفرهم بعنوان ثقلب نمره اش صفر نشد . قیافه دانش آموزان شاد و خرم بود و موقع ترک مدرسه با نگاه های تشکر آمیز از معاون مدرسه خدا حافظی می کردند . معاون مدرسه در دل باخود چنین می گفت : هنرانسان در تربیت کردن نیست بلکه هنرمندی اود را انتخاب روش صحیح تربیتی است ! ■ مجید رشیدپور

۲۷ نفر شده بود . اگر این تندى و تیزی سازنده بود باید ریشه ثقلب کردن قلع و قمع می شد و حال آنکه نحوه ثقلب روز بروز پیچیده تر و مرموزتر می گردد . وقتى صحبت آقای الف ... به اینجا رسید معاونت محترم سرخود را در میان دستهای خود مخفی کرده بجان و دل گفته های همکار خود را تأیید می کرد . در این موقع آقای الف ... دنباله سخن خود را گرفته چنین گفت : آقای س ... همه ما به تلاش و کوشش شما ایمان داریم ، می دانیم که شما شب و روز وقت خود را در مدرسه می گذرانید ولی مشکل کار در نحوه و سیستم اداره مدرسه است . آقای س ... همه ما باید با شاگردان رابطه عاطفی برقرار کنیم . شما برای یک بار هم شده با شاگردان اعتماد داشته عملاً " طوری وانمود کنید که اساساً همه شاگردان درست و راست بوده و اهل ثقلب نمی باشند . اگر شما در اجرای این برنامه موفق نشدید می توانید روش گذشته خود را با حدت بیشتری تکرار نمایید .

روز امتحان دبیرستان فرارسیده بود همه دانش آموزان در صحن دبیرستان مشغول مطالعه کردن و بعضی ها مشغول برداشتن نت بودند . و بعضی ها نحوه خاص ثقلب خود را بدیگران عرضه می کردند . رنگ امتحان نواخته شد همه دانش آموزان جلوی درب ورودی سالن امتحانات تجمع کرده بودند ، در این موقع معاونت مدرسه بر بالای چهارپایه رفته چنین گفت :

دانش آموزان عزیز : تاکنون من اشتباه کرده بودم . من خیال می کردم با ساخت گیری ها و تندى و تیزی ها می توانم بقله رفیع تربیت دست بیابم ، ولی تجربه نشان داد که حدت و تندى ها علاوه بر اینکه راه تربیت و ساختن را